عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست در دولت روحانی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دریاچه ارومیه سال ۱۴۰۷ احیا می‌شود، صبر کنید!

عکاس: فرهیختگان

ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

ماجرای ما و مسائل محیط‌زیستی، روزبه‌روز بیشتر درهم تنیده و متاثر از هم می‌شود. بعد از ماجرای اعتراضات اصفهان پیرو خشکسالی‌های اخیر بود که با هرکدام از مردم گپ می‌زدم؛ از باسواد و دانشگاه‌رفته تا کم‌سواد‌ترها و دانشگاه‌نرفته‌ها، اطلاعات خوبی از محیط‌زیست و اقتضاناتش داشتند. این یعنی سوای اهمیت بالای مساله محیط‌زیست و اصل حفاظت از آن، مردم هم نسبت به این مساله حساس شده‌اند و دغدغه دارند. همین الان اگر تلفنم را بردارم و به‌صورت اتفاقی با چند فعال و پژوهشگر حوزه محیط‌زیست تماس بگیرم و سوال کنم که در یک تقسیم‌بندی بد‌ترین دوران از منظر حفاظت محیط‌زیست و انفعال مدیران این سازمان چه دوره‌ای است؟ کمااینکه این کار را هم کرده‌ام، دوران ریاست عیسی کلانتری بر این سازمان جزء چند گزینه اول آنهاست. علتش را هم تقریبا همه می‌دانیم. قصد سیاسی کردن این نوشته را ندارم و نمی‌خواهم که این طور هم باشد. منتها این واقعیتی است که نمی‌توان آن را کتمان کرد. کافی است به گزارش‌های متعدد زیست‌محیطی ملی چند سال اخیر رجوع و با هم مرور کنیم که در تمام دوران ریاست کلانتری بر سازمان حفاظت محیط‌زیست چه پروژه‌هایی اجرایی شد و چه بلایی بر سر محیط‌زیست ایران آمد. با این اوصاف، انصاف حکم می‌کرد که برای کسب اطلاع بیشتر با این مدیر پرحاشیه گفت‌وگویی داشته باشیم. اصل سوالات هم که از قبل قابل حدس هستند. مسائل مربوط به آب، پروژه‌های انتقال آب، سدسازی‌ها، احیای دریاچه ارومیه، ماجراهای مربوط به خوزستان، تالاب‌ها و... همه مجموعه مسائل و کلان‌موضوعاتی است که به ادعای کارشناسان، سازمان حفاظت محیط‌زیست عیسی کلانتری، از آنها سربلند خارج نشده و یکی از بد‌ترین کارنامه‌های زیست‌محیطی را از خود به جای گذاشت. از بیان این نکته هم نباید غافل شد که شخص عیسی کلانتری و درمجموع دولت حسن روحانی، یکی از پرمدعاترین دولت‌ها از ابتدای انقلاب در حوزه محیط‌زیست بوده‌اند و پروژه‌های مهمی هم با همین شعارها ایجاد و پیش برده شد. این را که چقدر موفقیت حاصل شد یا به بیان بهتر اصلا موفقیتی حاصل شد یا نه، از زبان عیسی کلانتری با هم می‌خوانیم.

///

روسای سازمان محیط‌زیست، جاده‌صاف کن دولت‌ها برای انجام پروژه‌های بزرگ هستند

راستش را بخواهید خودم می‌دانستم این گفت‌وگو از آن گفت‌وگوهایی است که مخاطب از پاسخ دادن فرار خواهد کرد و بهانه‌هایی را برای ریاست دادن در جلسه که مقابله با آنها کار ساده‌ای نیست. این طور هم شد. اما خب نوع نگاه این مدیر در یک دولت سرمایه‌دار و دوستدار توسعه، می‌تواند آینه عبرتی باشد برای تمام مدیران، تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران که در بزنگاه انتخاب بین توسعه و حفظ محیط‌زیست، تمام‌وکمال به‌سمتی یکی از آنها غش نکنند. سوال اول ماراعیسی کلانتری این بود: مساله محیط‌زیست از آن دست مسائلی است که در کشور ما مغفول بوده و شاید در سیاست‌گذاری‌ها آخرین موضوعی است که سیاست‌گذاران به آن توجه می‌کنند. بااین حال همواره درباره مسائل محیط‌زیستی صحبت می‌شود کأنه مساله مهمی برای مجریان و سیاست‌گذاران بود است اما خب‌ما‌ها دیده‌ایم و می‌دانیم که این طور نبوده و نیست. شاهد مثال این هم پروژه‌هایی است که الان حدود ۴۱ سال تازه آنها مورد نقد سازمان محیط‌زیست است به خاطر اینکه مجوز زیست‌محیطی ندارند. نقدی هم که فعالان محیط‌زیست و رسانه‌ها دارند، این است که روسای سازمان محیط‌زیست همواره رفقای رئیس‌جمهور و جاخوشه‌فاک‌های پروژه‌های بزرگ دولت هستند. چقدر این امر و باورها واقعی است؟

هم‌درست است و هم‌خیلی درست نیست. وقتی استراتژی داشته باشید، در راستای استراتژی خود تصمیماتی می‌گیرید. وقتی استراتژی نداشته باشید تصمیمات ضد‌ونقیض زیادی اتخاذ می‌کنید که برخی خوب و برخی بد است. به‌نظرم من محیط‌زیست باید استراتژی داشته باشد و رئیس سازمان محیط‌زیست باید این استراتژی‌ها را دنبال کند. متاسفانه جمهوری اسلامی تا حدود ۲۰ سال توسعه پایدار را به رسمیت نمی‌شناخت. محوریت محیط‌زیست باید پایدار باشد. توسعه پایدار ۴ اصل دارد. یکی حفظ محیط‌زیست، دیگری حفظ حقوق نسل‌های بعد، دیگری اقتصادی بودن و اصل چهارم برهم‌زدن نظم اجتماعی است. بخواهید محیط‌زیست را ۱۰۰ درصد حفظ کنید ولی فقر حاکم باشد، در تضاد توسعه است. می‌خواهید حفظ محیط‌زیست باشد ولی اختلاف طبقاتی گسترده باشد و نظم اجتماعی به هم بخورد، در تضاد است. درجه اولویتمو رابلد پیدا کرد. مثلا در راستای توسعه باید از یکی از مهم‌ترین مسائل آب است. محیط‌زیست ما وابسته به آب است، اقتصاد و نظم اجتماعی ما وابسته به آب است. سازمان محیط‌زیست، دولت و ملت باید کاری کنند که آب کشور پایدار باشد. هر حرکتی برخلاف این امر به توسعه کشور و محیط‌زیست و اقتصاد کشور لطمه می‌زند؛ این در حوزه توسعه پایدار یک حلقه گمشده است. آب‌های تجدیدپذیر ما از ۱۳۵ میلیارد مترمکعب امروز به زیر ۹۰ میلیارد مترمکعب رسیده است. درحالی که بارش باران در کشور ۱۸ درصد کاهش یافته، ما نمی‌توانیم این مساله را به تغییر اقلیم مرتبط کنیم. پس یک‌سری اشتباه‌ها داشتیم. اساسا ما در سیاست‌های کلان اشتباه‌هایی انجام دادیم. این سیاست‌ها ربطی به مردم ندارد. وقتی از من سوال شد نقش مردم در تخریب محیط‌زیست چقدر است؟ حدود ۲ تا ۲/۵ درصد است. نقش تصمیم‌گیری‌های کلان، سیاست‌های کلان، قانونگذاری‌های کلان بیش از ۹۵ درصد است. فرض کنید مصدافی وارد شویم، هزاران مصدافی در همه حوزه‌های محیط‌زیست وجود دارد. یکی حمایت از تولید ملی بدون توجه به حفظ محیط‌زیست است، چه در بخش محیط انسانی و چه در بخش محیط طبیعی. حمایت از تولیدملی یعنی اینکه بخواهیم در محصولات صنعتی، محصولات غذایی، کشاورزی به هر قیمتی خودکفا شویم. قیمت تمام‌شده را کنار بگذاریم. این عامل اصلی تخریب محیط‌زیست است. در صنعت خودروسازی می‌خواهیم خودکفا شویم بدون اینکه استانداردی تعیین کنیم. «موتوری که تولید می‌کنیم، چقدر باید سوخت مصرف کند، چقدر باید از اگزوز آن مواد آلاینده خارج شود. ایران خودرو و سایپا با هر کیفیت تولید کنند و بیرون بدهند تخریب محیط‌زیست است. دوبرابر استاندارد سوخت مصرف می‌کنند، ۵ برابر استاندارد آلاینده‌گی دارند. هزینه این را درنهایت ملت می‌دهد. عامل آلاینده‌گی هوا می‌شود. می‌گوییم به هر قیمتی باید برق تولید کنیم. برق با مازوت تولید می‌شود یعنی ۵۰ هزار PPM اکسیدسولفات به خود مردم می‌دهیم. این آلاینده‌گی هواست. «نوترهای مادرهوای گرم اروپن تولید می‌کنند. اروپن سطح پایین است چون کامل سوخت را نمی‌سوزاند. ممکن است سوخت خودش اشکال داشته باشد و... استانداردی برای تولید ملی نداریم و درنتیجه در هر بخشی تخریب محیط‌زیست می‌شود و هزینه این تخریب را فقط مردم می‌دهند.

قانون ایده‌آل به درد ما نمی‌خورد، سازمان محیط‌زیست کارهای نیست

طبق اظهارات شما، پس هیچ کدام از خودروهای تولید داخل استانداردهای بین‌المللی را از منظر آلاینده‌گی ندارند؟

الان ۷۰۰ هزار کامیون در کشور برای حمل‌ونقل داریم و بیش از ۸۰ درصد آن بیش از ۴۰ سال عمر دارند که باید در ذوب‌آهن بروند یا ولی قدرت جایگزینی ندارند. در اتوبوسرانی شهر تهران حدود ۶ هزار دستگاه اتوبوس وجود دارد که ۴ هزار و ۵۰۰ اتوبوس مستهلک است. باید حرکت کند و وقتی سازمان محیط‌زیست بخواهد اقدامی کند، می‌گویند مردم را چطور جابه‌جا کنیم؟ ۱۱ میلیون موتورسیکلت داریم که ۹/۵ میلیون آن کاربراتوری هستند که باید معدوم شوند. می‌گویند ۹/۵ میلیون نفر معاش و حمل‌ونقل خود را با این وسیله انجام می‌دهند حتی اگر هوا را آلوده می‌کنند. اینجا زور سازمان محیط‌زیست نمی‌رسد

کنیم. قانون ایده‌آل هم به درد ما نمی‌خورد. مسائل سیاسی به اجازه نمی‌دهد از تکنولوژی‌های پیشرفته استفاده کنیم. تحریم‌هایی که اتفاقی افتاد، جلوی روند پیشرفت خودروسازی را گرفت. خودروسازان ایران می‌خواستند پیشروی کنند ولی ۴ سال است که سیر مسدود شده است. پالایشگاه‌ها ما مسدود شدند، الان ۷۰۰ هزار کامیون در کشور برای حمل‌ونقل داریم و بیش از ۸۰ درصد آن بیش از ۴۰ سال عمر دارند که باید در ذوب‌آهن بروند ولی قدرت جایگزینی ندارند. در اتوبوسرانی شهر تهران حدود ۶ هزار دستگاه اتوبوس وجود دارد که ۴ هزار و ۵۰۰ اتوبوس مستهلک است. نباید حرکت کند و وقتی سازمان محیط‌زیست بخواهد اقدامی کند، می‌گویند مردم را چطور جابه‌جا کنیم؟ ۱۱ میلیون موتورسیکلت داریم که ۹/۵ میلیون آن کاربراتوری هستند که باید معدوم شوند. می‌گویند ۹/۵ میلیون نفر معاش و حمل‌ونقل خود را با این وسیله انجام می‌دهند حتی اگر هوا را آلوده می‌کنند. اینجا زور سازمان محیط‌زیست نمی‌رسد. اینجا زور سازمان محیط‌زیست نمی‌رسد. سازمان محیط‌زیست باخواهد اقدامی کند، می‌گویند مردم را چطور جابه‌جا کنیم؟ ۱۱ میلیون موتورسیکلت داریم که ۹/۵ میلیون آن کاربراتوری هستند که باید معدوم شوند. می‌گویند ۹/۵ میلیون نفر معاش و حمل‌ونقل خود را با این وسیله انجام می‌دهند حتی اگر هوا را آلوده می‌کنند. اینجا زور سازمان محیط‌زیست نمی‌رسد. اینجا زور سازمان محیط‌زیست نمی‌رسد. سازمان محیط‌زیست باخواهد اقدامی کند، می‌گویند مردم را چطور جابه‌جا کنیم؟ ۱۱ میلیون موتورسیکلت داریم که ۹/۵ میلیون آن کاربراتوری هستند که باید معدوم شوند. می‌گویند ۹/۵ میلیون نفر معاش و حمل‌ونقل خود را با این وسیله انجام می‌دهند حتی اگر هوا را آلوده می‌کنند. اینجا زور سازمان محیط‌زیست نمی‌رسد

درختان است، درحالی که هزاران سال این بیماری با جنگل‌های زاگرس زندگی مسالمت‌آمیز داشت، چون خاک پای جنگل را شخم زدیم و این خاک آماده فرسایش شد و درنتیجه شسته شد و باد برد، سنگ ماد رروی خاک آمد. این خاک دیگر روی سنگ ماد رو بد بارندگی می‌شد، این آب به تدریج وارد سوراخ‌های سنگ می‌شد، ریشه‌های گیاه از این آب استفاده می‌کرد. خاک شسته شد و بارندگی شد و نفوذ نکرد و نفوذ آب باران کاهش یافت و به‌صورتِ این درختان ضعیف شد. درخت که ضعیف شود، باید یک میکروبی که فبلا هم زیستی مسالمت‌آمیز داشت، راببین می‌رود. سالیانه ۴۰۵۰ هکتار درختان ما در زاگرس خشک می‌شوند. این نتیجه سیاست‌های غلط کلان است. مساله آب همین است. توسعه دهیم، شهر بزنیم، کانال ایجاد کنیم. آقای احمدی‌نژاد در فیروزکوه اعلام کرد برای حرم چراغ مجوز نیاز نیست. یک شبه قیصت حفر چاه چندبرابر شد. چاه‌های غیرمجاز و برداشت‌های غیرمجاز شد. ما که از نظر استانداردهای جهانی و بین‌المللی حداکثر مجاز هستیم ۴۰ درصد آب تجدیدپذیر را مصرف کنیم، الان ۳۰ سال است که بیش از ۱۰۰ درصد مصرف می‌کنیم. چه اتفاقی افتاده؟ «محیط‌زیست نمی‌تواند جلوی پیشرفت باشد. برای بچه‌ها و نوه‌های من آبی وجود نخواهد داشت.

سازمان محیط‌زیست نمی‌تواند جلوی چیزی را بگیرد، همین الان صدها شکایت داشتیم که در دادگاه‌هاست و برخی به‌دلیل دخالت بالایی‌ها به جایی نرسیده است

خب تمام این مشکلات و مسائل قبول. اصلا هرچه شما می‌گویید درست. شما عامیه‌اید این مسائل چه کردید؟ اصلا اگر فکر می‌کنید که این طور در محیط‌زیست رسیدگی به‌آن منفعل شده‌ایم، چرا رباست سازمان حفاظت محیط‌زیست راقبول کردید. شما قبل از این هم وزیر مملکت بودید.

عیسی را بیان می‌کنم. می‌خواهم به این مطلب برسم. وقتی این اتفاق می‌افتد، از ۹۶ به بعد می‌توانید جلوی آن را بگیرید ولی قبل از ۹۶ کاری نمی‌توانید انجام دهید. قانون شده است. این

> من نمی‌توانم به مجلس بگویم چون مجوز نیست را ندارند، قانون نکنید. مجلس قانون می‌کند و من جلوی آن می‌ایستم. پروژه را شروع کند دادگاه می‌روم. جلوی خیلی از پروژه‌ها را نمی‌توانم بگیرم ولی می‌توانم شکایت کنم که اصلا موجود شکایت در دادگاه وجود دارد. یک‌سری به جایی می‌رسد و یک‌سری نمی‌رسد چون توسط مقامات مافوق جلوی شکایت گرفته می‌شود

سدها که احداث شده‌اند یا درحال احداث هستند در سال ۷۷، ۹۰،۸۵ و... ساخته شده و قانون شده و کاری نمی‌توان کرد. من بعد از ۹۵ نباید مجوز می‌دادم. سال ۹۶ که آمدم گفتیم به صنایع فولاد و صنایع پرتوشیمی داخل سرزمین مجوز نمی‌دهیم.

یعنی ادعایی کنید در زمان مدیریت شما در سازمان حفاظت از محیط‌زیست هیچ مجوزی به پروژه‌هایی که مشکل زیست‌محیطی داشتند، داده نشده است؟

خیر. آنهایی که اجرا شدند هم برای قبل از ما بود که مجوز دریافت کردند.

نامه جدیدی که منتشر شده است و در آن از ۴۱۱ پروژه زیست‌محیطی ندارند ولی اجرایی شده‌اند یا در شرف اجرا هستند و به آنها بودجه اختصاص داده شده است، نام برده شده؛ برای چه زمانی است؟ شما نقشی در آنها نداشتید؟

اینها پروژه‌های دنباله‌دار هستند. مجوز محیط‌زیست ندارند. من نمی‌توانم بگویم چون مجوز محیط‌زیست ندارند، قانون نکنید. مجلس قانون می‌کند و من جلوی آن می‌ایستم. پروژه را شروع کند دادگاه می‌روم و تعطیل می‌کنم. از سال ۹۶ به بعد را می‌توانم اقدام کنم. یک‌سری برای قبل است و دنباله‌دار است. جاده‌ای است که می‌گشتند. یک جاده ۲ سال طول می‌کشد، مجوز محیط‌زیست ندارد و ۹۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. جلوی این را نمی‌توانم بگیرم ولی می‌توانم شکایت کنم که الان صدها مورد شکایت در دادگاه وجود دارد.

هیچ یک از این شکایت‌ها به جایی رسیده است؟

یک‌سری به جایی می‌رسد و یک‌سری نمی‌رسد چون توسط مقامات مافوق جلوی شکایت گرفته می‌شود.

چرا برخی از این شکایت‌ها و مقاومت‌ها نتیجه‌ای نمی‌دهد؟ چه نهادها یا اشخاصی جلوی آن را می‌گیرند؟

بالاتر از وزارتخانه‌ها همچون شورای عالی امنیت ملی و... آنها موردی می‌توانند جلوی خودرو را بگیرند. فرض کنید مساله‌ای که باعث برکناری یکی از معاونان سازمان محیط‌زیست شد، کود که چارچینی‌ها را آوردند و گفتند در خشکی هوالعظیم باید نفت استحصال کند و تالاب هوالعظیم را خشک‌اندند. این بود؛ وزارت نیرو چون نمی‌خواست اجرا کند ولی موظف بود اجرا کند می‌گفت محیط‌زیست مجوز نمی‌دهد. ما گفتیم مجوز با این است و شرایط اینچنین است و عمق کم‌آب را می‌خواهید برداشت کنید مشخص است. در عمق ۲۰ متری باید آب برداشت کنید، به عمق ۳۰ متری باید آب را بازگردانید. دیگری مقدار سرعت برداشت آب و بعدی محل انتقال بود. اجازه نمی‌دهیم برای انتقال لوله آب، جنگل و درختان را از بین ببرید. باید از مسیر لوله گاز منتقل کنید که جنگلی پریده نمی‌شد. مجوز را به سال است صادر کردیم ولی یک قدم برنداشتند؛ چراکه توجیه اقتصادی ندارد.

در وزارت نیرو، پیمانکاران به‌جای کار اجرایی سیاستگذاری می‌کنند

خیلی در افواه معروف و مرسوم است که وزارت نیرو تحت کنترل و تاثیر شرکت‌های پیمانکاری است یا این واقعیت دارد؟

من این را نخواهم‌گفت. انتقال آب خزر به سمنان نه زمان آقای روحانی اتفاق افتاد و نه زمان آقای احمدی‌نژاد. من با احمدی‌نژاد مبانه خوبی ندارم اما خب باید صادقانه بگویم به‌هم. این طرح از دولت خاتمی تصویب کرده است که رئیس جمهورهم سمنانی نبوده است. منتها مجریان مشکل زیست‌محیطی آن را حل نمی‌کردند. ما گفتیم مشکلی نیست و از خزر آب را انتقال دهند، چون از سمیه جدید بیشتر آب وارد دریای خزر می‌کنیم. در استان گیلان حق داریم ۴۰ درصد آب تجدیدپذیر را استفاده کنیم، ۱۳ درصد استفاده می‌کنیم. یعنی ۲۷ درصد آب گیلان را بیش از مسائل زیست‌محیطی وارد دریای خزر می‌کنیم. دو درصد را می‌توانیم در جای دیگر بردارییم. منتها اتفاقی که افتاد این بود؛ وزارت نیرو چون نمی‌خواست اجرا کند ولی موظف بود اجرا کند می‌گفت محیط‌زیست مجوز نمی‌دهد. ما گفتیم مجوز با این است و شرایط اینچنین است و عمق کم‌آب را می‌خواهید برداشت کنید مشخص است. در عمق ۲۰ متری باید آب برداشت کنید، به عمق ۳۰ متری باید آب را بازگردانید. دیگری مقدار سرعت برداشت آب و بعدی محل انتقال بود. اجازه نمی‌دهیم برای انتقال لوله آب، جنگل و درختان را از بین ببرید. باید از مسیر لوله گاز منتقل کنید که جنگلی پریده نمی‌شد. مجوز را به سال است صادر کردیم ولی یک قدم برنداشتند؛ چراکه توجیه اقتصادی ندارد.

پس تمام‌شان پروژه‌های بدون مجوز از قبل بوده است؟

آنهایی که از قبل بوده و زیر نیرو تمام کاری کنیم. از سال ۹۶ به بعد چنین مجوزی صادر نکردیم. مثلا انتقال آب بهشت‌آباد ۳۱ سال پیش شروع شد. مجوز نداشت. قبل از این خواستند احداث کنند ما جلوگیری کردیم. برای اینکه اگرهم این مسیر ۷۰ کیلومتر تونل می‌شد، حدود ۴۰ هزار هکتار دشت‌های چهارمحال‌وبختیاری خشک می‌شد. گفتیم در یک‌سری مقطع تونل می‌دهیم و باقی باید با لوله منتقل شود، زیرا بر این

> مجوز انتقال آب خزر به سمنان یا سد سال است که صادر کردیم ولی وزارت نیرو و پیمانکارانش یک قدم برنداشتند؛ چراکه توجیه اقتصادی ندارد

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۱۴

مجوز انتقال آب خزر به سمنان یا سد سال است که صادر کردیم ولی وزارت نیرو و پیمانکارانش یک قدم برنداشتند؛ چراکه توجیه اقتصادی ندارد

کارهای دریاچه و سخت‌افزاری تمام شده باید تمام شود و در سال ۱۴۰۷ دریاچه‌ای به وسعت چهارهزار و ۳۰۰ کیلومترمربع با حدود ۱۵ میلیارد مترمکعب آب و ۲۵ درصد نمک که تراز اکولوژیکی آن است، خواهیم داشت

امر نمی‌رفتند و ما هم اجازه نمی‌دادیم تا بالاخره بپذیرفتند که بخش‌هایی به طول ۳۶ کیلومتر را باید با پمپاژ منتقل کنند. این اتفاقات افتاده است.

مجوز انتقال آب خزر را ۳ سال است که صادر کردیم اما چون صرفه اقتصادی ندارد کاری نمی‌کنند!

یک‌سری پروژه‌های انتقال آب بود که طی چند سال مدیریت شمارا در سازمان حفاظت محیط‌زیست حسابی حاشیه‌سازی البته منتسب به شما و دوره شماست. مثلا انتقال آب خزر به سمنان که گفته می‌شد مطالبه زیست‌جمهور است و چون ایشان سمنانی است می‌خواهد خرجی همیه همشهری‌های خود برساند. درباره این پروژه چه حرف‌هایی دارید؟

اینها پروژه‌های دنباله‌دار هستند. مجوز محیط‌زیست ندارند. من نمی‌توانم بگویم چون مجوز محیط‌زیست ندارند، قانون نکنید. مجلس قانون می‌کند و من جلوی آن می‌ایستم. پروژه را شروع کند دادگاه می‌روم و تعطیل می‌کنم. از سال ۹۶ به بعد را می‌توانم اقدام کنم. یک‌سری برای قبل است و دنباله‌دار است. جاده‌ای است که می‌گشتند. یک جاده ۲ سال طول می‌کشد، مجوز محیط‌زیست ندارد و ۹۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. جلوی این را نمی‌توانم بگیرم ولی می‌توانم شکایت کنم که الان صدها مورد شکایت در دادگاه وجود دارد.

هیچ یک از این شکایت‌ها به جایی رسیده است؟

یک‌سری به جایی می‌رسد و یک‌سری نمی‌رسد چون توسط مقامات مافوق جلوی شکایت گرفته می‌شود.

چرا برخی از این شکایت‌ها و مقاومت‌ها نتیجه‌ای نمی‌دهد؟ چه نهادها یا اشخاصی جلوی آن را می‌گیرند؟

بالاتر از وزارتخانه‌ها همچون شورای عالی امنیت ملی و... آنها موردی می‌توانند جلوی خودرو را بگیرند. فرض کنید مساله‌ای که باعث برکناری یکی از معاونان سازمان محیط‌زیست شد، کود که چارچینی‌ها را آوردند و گفتند در خشکی هوالعظیم باید نفت استحصال کند و تالاب هوالعظیم را خشک‌اندند. این بود؛ وزارت نیرو چون نمی‌خواست اجرا کند ولی موظف بود اجرا کند می‌گفت محیط‌زیست مجوز نمی‌دهد. ما گفتیم مجوز با این است و شرایط اینچنین است و عمق کم‌آب را می‌خواهید برداشت کنید مشخص است. در عمق ۲۰ متری باید آب برداشت کنید، به عمق ۳۰ متری باید آب را بازگردانید. دیگری مقدار سرعت برداشت آب و بعدی محل انتقال بود. اجازه نمی‌دهیم برای انتقال لوله آب، جنگل و درختان را از بین ببرید. باید از مسیر لوله گاز منتقل کنید که جنگلی پریده نمی‌شد. مجوز را به سال است صادر کردیم ولی یک قدم برنداشتند؛ چراکه توجیه اقتصادی ندارد.

در وزارت نیرو، پیمانکاران به‌جای کار اجرایی سیاستگذاری می‌کنند

خیلی در افواه معروف و مرسوم است که وزارت نیرو تحت کنترل و تاثیر شرکت‌های پیمانکاری است یا این واقعیت دارد؟

من این را نخواهم‌گفت. انتقال آب خزر به سمنان نه زمان آقای روحانی اتفاق افتاد و نه زمان آقای احمدی‌نژاد. من با احمدی‌نژاد مبانه خوبی ندارم اما خب باید صادقانه بگویم به‌هم. این طرح از دولت خاتمی تصویب کرده است که رئیس جمهورهم سمنانی نبوده است. منتها مجریان مشکل زیست‌محیطی آن را حل نمی‌کردند. ما گفتیم مشکلی نیست و از خزر آب را انتقال دهند، چون از سمیه جدید بیشتر آب وارد دریای خزر می‌کنیم. در استان گیلان حق داریم ۴۰ درصد آب تجدیدپذیر را استفاده کنیم، ۱۳ درصد استفاده می‌کنیم. یعنی ۲۷ درصد آب گیلان را بیش از مسائل زیست‌محیطی وارد دریای خزر می‌کنیم. دو درصد را می‌توانیم در جای دیگر بردارییم. منتها اتفاقی که افتاد این بود؛ وزارت نیرو چون نمی‌خواست اجرا کند ولی موظف بود اجرا کند می‌گفت محیط‌زیست مجوز نمی‌دهد. ما گفتیم مجوز با این است و شرایط اینچنین است و عمق کم‌آب را می‌خواهید برداشت کنید مشخص است. در عمق ۲۰ متری باید آب برداشت کنید، به عمق ۳۰ متری باید آب را بازگردانید. دیگری مقدار سرعت برداشت آب و بعدی محل انتقال بود. اجازه نمی‌دهیم برای انتقال لوله آب، جنگل و درختان را از بین ببرید. باید از مسیر لوله گاز منتقل کنید که جنگلی پریده نمی‌شد. مجوز را به سال است صادر کردیم ولی یک قدم برنداشتند؛ چراکه توجیه اقتصادی ندارد.

پس اینکه گفته می‌شود مردم محلی و شکارچیان در آب سم می‌ریزند تا این پرندگان جان‌شان را از دست بدهند واقعیت ندارد؟

اینها بخش‌های کوچکی است. این به میزان کمی وجود دارد. وقتی مردم عامل کشت‌وصنعت مغان بودم، سال ۱۳۶۵ یک شب ساعت یک‌ونیم صبح، مدیر دامپروری آمد و گفت که ۳۰۰ نفر از شهرها افتادند. برای اینکه از کانال، مردم ماهی بگیرند بالادست سپرریختند و آب کانال آلوده به سم شد و شتر آب خورد و ماهی‌ها روی آب آمده بودند و مردم آنها را می‌گرفتند، ولی شتر مارهند. این اتفاقات در اثر نا آگاهی و سواءاستفاده مردم و... می‌افتد ولی خیلی در مقابل آن میزان ماهی کوچک نیست. اگر باالین مواد و مواد سم برخورد قانونی می‌شود ولی مسائل طبیعت این است که ما متر مکعب نمی‌رسد، مگر بازندگی‌های استثنایی باشد ولی به ۱۵ میلیارد مترمکعب در هفت سال دیگر خواهیم رسید. دریاچه ارومیه یک‌شبه خشک نشد که یک‌شبه احیا شود. منتها مردم ایران صبر ندارند. نه کیلوگرم محصول کشاورزی کم‌شد، با کاهش آب محصولات افزایش یافت، تخطی کردند ولی باز مشکلی ایجاد نشد. ۲۰ هزار هکتار محل زیرکشت افزایش یافت.

مدیران محلی و نمایندگان ارومیه مانع احیای دریاچه بودند، وزارت نیرو هم بخشی از بودجه احیا را در سایر پروژه‌هایش هزینه کرد

خب اصلا یکی از اصلی‌ترین ایرادات در جریان احیای دریاچه ارومیه این بود که به موازات تلاش‌هایی احیا، سطح زیرکشت زمین‌های اطراف دریاچه هم افزایش پیدا می‌کرد. سازمان محیط‌زیست برای این موضوع و جلوگیری از این مساله چه کرد؟ چرا این اتفاق افتاد؟

برای اینکه مقامات محلی سیاست‌های دولت رانیمه کاره و به‌زور قبول می‌کردند. نمایندگان، مدیران کل و استانداران به‌خصوص در آذربایجان غربی این گونه بودند. مشکل مردم را در این امر نداشتیم. مشکل ما دولتی‌های محلی در منطقه و نمایندگان مجلس بودند چون اثرات خشک‌شدن دریاچه ارومیه را نمی‌بینند. ولی می‌گویند اینجا شغل ایجاد شد، حتی به قیمت خشک‌شدن دریاچه باشد. چندتر در دریاچه ارومیه تولید می‌کردیم، سالانه ۵۰۰ هزارتن از این حوزه تولید می‌شد، چون کارخانه‌ها محدودیت داشتند به خراسان و اصفهان حمل می‌شد. شکر تولیدی به ارزش ۱۸ میلیون دلار بود. هزینه حمل‌ونقل به قیمت بین‌المللی ۲۳ میلیون دلار بود. هزینه ۲۳ میلیون دلار پول می‌دادیم که این چندبرابر به اصفهان و شیراز ببرند و ۱۸ میلیون دلار منهای قیمت چندبرابر را در نظر بگیرید، شکر تولید می‌شود. ۱۰ هزار هکتار، ۱۵۰ میلیون مترمکعب آب شیرین مصرف می‌کردند. آب، کارگرو...، را مجانی در نظر بگیرید. پنج میلیون دلار هم ضرر می‌کردیم که به دلیل اقتصاد بسته کشور است. استفاده از رانت‌های دلاری و پول نفت، ویرانی محیط‌زیست را در بردداشت. دریاچه ارومیه به خوبی پیش رفته است. البته کمی حس کم‌کاری می‌کنم ولی هر کاری بکنند تا دو ماه دیگر باید آب به دریاچه ارومیه بیاید. سال گذشته وزارت نیرو قدری تنبلی کرد و باید این نوبل را سال گذشته تمام می‌کرد. وزارت نیرو بخشی از بودجه دریاچه ارومیه را در سایر پروژه‌ها برد و تا این بودجه بازگردد چهار، پنج ماه کارگاه‌ها تعطیل شد و الا سال پیش باید نوبل زاب افتتاح می‌شد.

تالاب میانکاله هیچ ورودی ندارد و تمام آب ورودی خرج کشاورزی در بالادست می‌شود!

آقای کلانتری، کمی هم درخصوص میانکاله صحبت کنیم. یک عده می‌گویند پرنده‌های مهاجری که به این تالاب می‌آیند را شکارچی‌ها می‌کشند. برخی می‌گویند مردم محلی در آب سم می‌ریزند تا این پرنده‌ها کشته شوند. ماجرا از چه قرار است؟ محیط‌زیست چه اقدامی انجام داد؟

بخشی پرندگان حلال گوشت است که ربطی به میانکاله ندارد. در منطقه بابلسر است. شکارچیان تله‌های می‌گذارند و خب تخلف می‌کنند. باید برخورد قاطعی کند. یک مساله تالاب میانکاله است. تالاب مهم به دریای خزر و مل‌رود و هم از بالادست آب شیرین از طریق رودخانه‌ها وارد تالاب می‌شد است. اکولوژی به‌هم پیوسته است. بالادست آب‌های تالاب را برای توسعه برنج کاری از ۲۰۰۳ سال پیش بردند و انحرافاتی ایجاد شد. به‌تدریج این امر اتفاق افتاد و یک‌شبه نبوده است. از رودخانه‌های بالادست آب شیرینی وارد تالاب نمی‌شود. تقریبا قطع شده است و سالانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون مترمکعب می‌آمد، الان پنج‌یک‌ونیم مترمکعب می‌آید. در حد تو تا سه درصد است. پایین دست هم دریاچه عقب‌نشینی کرده و ارتباط تالاب با دریا قطع شده است. وقتی با دریا ارتباط داشت و آب از بالادست قطع می‌کردند آب وارد تالاب می‌شد و آن را جبران می‌کرد. در یا از پایین دست عقب‌نشینی کرده و از بالادست آب‌ها را مصرف کردند. میانکاله ورودی ندارد، تبخیر بر جای خود است، ورودی تنها بارندگی است و تبخیر سم‌ریلر بارندگی است. آنجا بارندگی حدود ۵۰۰ متر است و تبخیر یک میلیون است. سالانه حدود ۵۰-۶۰ میلیون مترمکعب کم دارد. این تالاب پذیرای پرندگان مهاجر است. در تالاب شرایط وقتی بی‌هوازی می‌شود یعنی آب را دنبی می‌کند و جریان آب نیست، درنتیجه موجودات بی‌هوازی شروع به فعالیت می‌کنند. وقتی جریان هوا داخل آب باشد و آب وارد و خارج شود و جریان داشته باشد، شرایط برای فعالیت میکروب‌های بی‌هوازی وجود ندارد. یک میکروبی به نام بوتولیت وجود دارد، شرایط بی‌هوازی می‌خواهد. لجن وقتی باشد شرایط بی‌هوازی آب ایجاد شده این میکروب شروع به تکثیر می‌کند و تولید سم بوتولیت می‌کند. پرنده مهاجر در این زمان می‌آید و در آنجا شروع به خوردن لجن می‌کند، لجن را می‌خورد شرایط بی‌هوازی است و میکروب قابل فسادی وجود دارد. به‌دنبال این میکروب سم بوتولیت تولید می‌کند. بسیار سم خطرناکی است. بلافاصله وقتی پرنده‌ای لجن را می‌خورد مخصوصا در جایی که جریان آب کم است، این سیستم عصبی پرنده از کار می‌افتد و درنتیجه مرده می‌شود و در آب خفه می‌شود.

در خصوص بحث قرار دو خبرنگار محیط‌زیست اصل ماجرا چه بود؟

من با هردوی این خانم‌ها آشنا بودم و وقتی شنیدم بلافاصله به ارومیه رفتم. ساعت بعدازظهر اتفاق افتاد و من ۷:۳۰ بعدازظهر ارومیه بودم. اینها خبرنگاران محیط‌زیست بودند و در سانا احیاناً قرار بود پیشرفت کار را ببینند. سالی یک‌بار می‌رفتند و پیشرفت کار را گزارش می‌دادند. در آنجا اتهیوس می‌گیرند که معاینه فنی داشت، پلیس راه تایید می‌کرد که پلیس راه می‌خواست از زیر این در برود ولی از دو پلیس راه مرتب تایید می‌کرد. متاسفانه مسیری که می‌روند سربالایی است و مسیر برگشت سرازیری بود، نقص فنی اتهیوس یا ناشی‌گری راننده بود، اتفاق بد رخ می‌دهد. علت اصلی راننده بود که نتوانست اتهیوس را کنترل کند. گواهینامه یک دانشگاه و سیستم ناوگان با اینچنین است و همه جا در کشور این چنین است که به علت تجربه و عدم‌آگا